

ماکس از بند رسته

آنتوانت فان هویتن

مترجم

زهرا زارعی

## سایه‌های دلهره

مجموعه‌ای که با نام «ادبیات پلیسی امروز جهان» عرضه می‌شود به مثابه‌ی تلاشی است برای آشنا کردن علاقه‌مندان جدی این ژانر با چشم‌انداز گسترده و متنوع آن در آغاز سده‌ی بیست‌ویکم و معرفی گونه‌های فرعی متعدد و متفاوتش که هر کدام جنبه‌ای از این ژانر پُر مخاطب را آشکار می‌سازند. مجموعه‌ی «ادبیات پلیسی امروز جهان» شامل چند زیرمجموعه است. «سایه‌های دلهره» یکی از این زیرمجموعه‌هاست که اساساً تریلرهای روان‌شناسانه و نوآرهای خانوادگی<sup>۱</sup> را شامل می‌شود.

تریلر روان‌شناسانه روایتی است حادثه‌ای که بر بی‌ثباتی روحی یا توهم متکی است. آن را می‌توان یکی از زیرمجموعه‌های ساختار روایی تریلر دانست که با داستان گوتیک و کارآگاهی قرابت دارد، از این جهت که مفهوم واقعیت در آن دگرگون می‌شود یا به شکلی رازگونه از دیدگاه افرادی روان‌پریش یا دستخوش اختلال روحی نمایانده می‌شود. رویدادهای روایت غالباً بین وسواس‌ها، خوره‌های ذهنی و روابط آزاردهنده و عذاب‌آور در نوسان‌اند. تریلرهای روان‌شناسانه معمولاً عناصری معمایی و کنش‌های ملهم از پارانویا را در بطن خویش دارند. برخی مؤلفه‌های بنیادین این ژانر

فرعی عبارتند از: مرگ، مفهوم عام و عادی هستی و نیز شکل مغشوش و مشوش آن، هویت، ماهیت ذهن نژند، ادراک با واسطه و بی‌واسطه‌ی واقعیت و نیز تقابل این دو ادراک با یکدیگر.

نوآر خانوادگی یکی از ژانرهای فرعی ادبیات جنایی / معمایی است. این عبارت گرچه پیشینه‌ای دیرین در سینما دارد و مشخصاً در ارتباط با فیلم نوآر به کار رفته، در عرصه‌ی ادبیات نخستین بار در سال ۲۰۱۳ در ویلاگ جولیا کروچ که او را «ملکه‌ی نوآر خانوادگی» نامیده‌اند، مطرح شد: «نوآر خانوادگی در وهله‌ی نخست در خانه و محل کار رخ می‌دهد، عمدتاً (ولی نه منحصرأ) به تجربه‌های زنانه می‌پردازد، بر روابط عاطفی مبتنی است و با تکیه بر دیدگاهی فمینیستی، عرصه‌ی خانواده را قلمرویی خطر خیز جلوه می‌دهد که چالش‌ها و گاه تهدیدهایی را برای ساکنانش در آستین دارد.»

سوفی اورم، سرویراستار انتشارات «منتل» علت جذابیت نوآر خانوادگی را چنین توضیح می‌دهد: «خوانندگان تشنه‌ی واقع‌گرایی تلخ و تیره‌اند، موقعیت‌هایی که در آن‌ها بتوانند با پرسوناژ اصلی همذات‌پنداری کنند، ولی در عین حال از زندگی روزمره‌شان نیز فاصله بگیرند. زندگانی زناشویی مناسب‌ترین عرصه برای تحقق این تمایل است: مقصد نهایی سفری عاشقانه و عاطفی که طی آن پیوندها استوار (و گاه گسسته) شده‌اند و هر یک از طرفین تمام و کمال خود را به دیگری سپرده، اعتمادی ایجاد شده که اگر دچار خدشه و اختلال شود فاجعه به بار می‌آورد.»

جنایی‌نویسی دیگر، ای. جی. وینس، درباره‌ی نوآر خانوادگی چنین می‌نویسد: «کانون خانواده پاتیلی است که در آن جنایت می‌جوشد، زیرا با بچه‌دزدی، محبوس کردن افراد، کشمکش‌های ناشی از ناباروری، بی‌وفایی، مفقودشدن فرزندان ارتباط تنگاتنگ دارد. این ژانر فرعی باور رایج به این‌که کانون خانواده امن‌ترین مکان است به بازی می‌گیرد.»

گرچه عمدتاً نویسندگان زن در آفرینش نوآر خانوادگی طبع‌آزمایی

کرده‌اند - کسانی نظیر ارین کلی، پائولا هاوکینز، گیلیان فلین، سایین دورانت، لیان موریاتی و... - اما چند رمان‌نویس مرد نیز آثاری در این ژانر فرعی پدید آورده‌اند که اس. جی. واتسون و تام وولر از آن جمله‌اند. امیدواریم ادامه‌ی هر چه طولانی‌ترین مجموعه، پنجره‌ای هر چه فراخ‌تر بر پهنه‌ی ادبیات جنایی / معمایی بگشاید.

دبیر مجموعه‌ی «ادبیات پلیسی امروز جهان»

## درباره‌ی نویسنده

آنتوانت فان هویتن، بانوی رمان‌نویس آمریکایی و دانش‌آموخته‌ی حقوق است. او که پانزده سال، در مقام وکیل بین‌المللی در آلمان، کشورهای اسکانداوی، هلند و شهر زادگاهش هوستون فعالیت کرده بود، از این حرفه دست کشید تا تمام وقت به نویسندگی بپردازد. نخستین رمانش، *ماکس از بند رسته* در ۲۰۱۰ منتشر شد و بلافاصله به فهرست پرفروش‌های نشریه‌ی «یواس تودی» راه یافت و نظر مساعد منتقدان را جلب کرد. این رمان تاکنون به شش زبان ترجمه شده است. در ۲۰۱۳، دومین رمان فان هویتن، *لاله‌خواران* به چاپ رسید.

آنتوانت فان هویتن، که هر دو فرزندش به اوتیسم مبتلا هستند، *ماکس از بند رسته* را با الهام از تجربه‌های شخصی و زیسته‌اش نگاشته. البته از دانش حقوقی خویش نیز در خلق این اثر بهره‌ی وافر برده است.

## مقدمه

وارد راهروی متروک بیمارستان می شود، جیرجیر کفشش روی کف صدعفونی شده سکوت آن جا را می شکافد. بعد از لحظه ای درنگ دری را باز می کند و قدم به داخل می گذارد. اتاق سرخ است، همه جایش سیلی از خون می بیند. هر دو دستش را جلو دهان می گیرد، سعی می کند جلو جیغ کشیدنش را بگیرد. چشمش به جسد روی تخت می افتد. پسر به سقف زل زده، با چشمانی مسخ شده، وانگستانی غرق خون و بدون نبض. زنگ احضار پرستار را می زند - و همان جا میخکوب می شود.

روی زمین هم جسدی درهم تنیده - پسری که چندان تفاوتی با جسد روی تخت ندارد. صورت و دستها غرق خون. اما این بار، جست و جوی عجولانه اش برای گرفتن نبض نتیجه می دهد و ضربان خفیفی حس می کند. پسر شینی بلند در دست دارد که غرق خون است و به نظر می رسد آلت قتاله باشد.